

کردهای جمهوری آذربایجان و مسئله کردستان سرخ

آرتیوم تونیان¹، گاریک میساکیان²

^{1,2} گروه ایرانشناسی، دانشکده شرق‌شناسی، دانشگاه دولتی، ایروان، ایروان، ارمنستان

ar.tonoyan@gmail.com¹, garik.misakyan@gmail.com²

یوخته:

لەگەڵ ئەوەی کە لە نیستادا بەشێک لە لایەنە سیاسییەکانی کۆماری ئازەربایجان هەوڵ دەدەن پرسی کورد و بوونی میژوووبیان لە ناوچەکە بشارنەوێ، بەلام تاوتوێکردن و لێکدانەوەی واقعیەتە میژوووبیەکان، سەرچاوە و بەلگەنامەکانی بەردەست، دەری دەمخەن کە کوردەکان لە سەدەکانی 19 و 21-ی زاینیدا بوونیکی بەرچاویان لە ژبانی سیاسی و کۆمەلایەتی ئەم وڵاتە هەبوو. سەرەرای ئەوەی کە سەبارەت بە کوردەکانی ئازەربایجان، توێژینەوی تایبەت ئەنجام نەدراوە، بەلام چاوخساندن بە ئەو لێکۆڵینەوێ و بەلگەنامانەیی کە لە سەردەمی یەکییتی سۆڤیەت بەجێماوە، دەتوانێت سەبارەت بە میژووی کوردەکانی کۆماری ئازەربایجان و ناوچەیەک کە "کوردستانی سوور"یان پێ دەووت، رێخۆشکەر بێت. ئەم توێژینەویە سوودی لە میتۆدی وەسفی-شیکاری بێنیووێ و پششی بە سەرچاوەکانی کتێبخانە، بەلگەنامە بلاوکراوەکان بە زمانی رووسی، رۆژنامە رووسیەکانی ئەو قوناغە و ھەروەھا ئامار و سەرژمێریەکانی دەوڵەتەکانی رووسیای قەیسەری و یەکییتی سۆڤیەت بەستووێ. لەم توێژینەویەدا پێگەی سیاسی، میژوویی و کۆمەلایەتی کوردەکان لە ناوچە جیاوازیەکانی کۆماری ئازەربایجان لە سەردەمی یەکییتی سۆڤیەت و پێشتر، بوونی کوردەکان لە کوردستانی سوور و کۆماری خۆبەرپەرێوەبەری نەخجەوان، پێکەاتە دانیشتوانی کورد و سیاسەتی کۆماری ئازەربایجانی یەکییتی سۆڤیەت بەرامبەر بە کوردەکان دەخزێتەر بەر باس و لێکۆڵینەوێ.

کلیله وشه‌کان: کورد، کۆماری ئازربایجان، یه‌کێتی سوڤیهت، کوردستانی سوور

چکیدہ

با این که بعضی از جریان‌های سیاسی جمهوری آذربایجان در حال حاضر تلاش می‌کنند مسئله کردها و حضور تاریخی این مردم در منطقه را پنهان کند اما بررسی واقعیت‌های تاریخی، منابع و اسناد موجود نشان می‌دهد که کردها به خصوص در قرون 19 و 20 میلادی حضور پررنگی در زندگی سیاسی و اجتماعی این کشور داشته‌اند. با این که در مورد کردهای جمهوری آذربایجان تحقیقات خاصی وجود ندارد اما بررسی تحقیقات موردی و اسنادی که به خصوص از دوره شوروی بر جای مانده است، می‌تواند تاریخ کردهای جمهوری آذربایجان و منطقه‌ای که به آن «کردستان سرخ» گفته می‌شود، را روشن کند. در این مقاله از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و منابع به کار رفته در این پژوهش منابع کتابخانه‌ای، اسناد منتشر شده به زبان روسی، روزنامه‌های روسی آن زمان جمهوری آذربایجان شوروی و همچنین آمارهای سرشماری‌های منتشر شده توسط دولت‌های روسیه تزاری و شوروی می‌باشند. در این مقاله جایگاه سیاسی، تاریخی و اجتماعی کردها در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان امروزی، در دوران شوروی و قبل از آن، حضور کردها در منطقه «کردستان سرخ» و جمهوری خودمختار نخجوان امروزی، ترکیب جمعیتی مناطق مذکور و همچنین سیاست جمهوری آذربایجان شوروی و خلق در مورد کردها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: کرد، جمهوری آذربایجان، شوروی، کردستان سرخ

Abstract:

Although some political circles in Azerbaijan are currently trying to hide or distort the Kurdish issue and the historical presence of that people in the region, a study of historical facts, sources and documents shows that the Kurds had a significant political and social presence in Azerbaijan, especially in the 19th and 20th centuries. The Kurdish presence in the territory of present-day Azerbaijan and the Kurds' movements in the South Caucasus in the 19th and 20th centuries were accompanied by important political and historical events. Although there is not much specific scientific works on the Kurds of Azerbaijan, however, studies of existing studies and documents and sources preserved from the Soviet era can reveal remarkable facts about the history of the Kurds of Azerbaijan and the area called "Red Kurdistan". The article uses the descriptive-analytical research method. Mainly used library literature, documentaries printed in Russian, dailies published in Soviet Azerbaijan, as well as official census data published by the Soviet and Russian Empire's governments. The article attempts to study the historical, political and social presence of the Kurds in the Soviet Union and its predecessors in the territory of present-day Azerbaijan, as well as the political and social role of the Kurds in the region called "Red Kurdistan" and in the territory of the current NAR, to present the demographic picture of the Kurds in the above-mentioned territories and the policy of the governments of the Soviet and Democratic Republics of Azerbaijan towards the Kurds.

Key words: Kurd, Republic of Azerbaijan, Soviet, Red Kurdistan.

جمعیت کرد منطقه در قرن نوزدهم تا اواخر دوره تزاری

برای تحقیق ترکیب جمعیتی منطقه قفقاز و به خصوص ساکنان کرد این منطقه، مجموعه "کالندار (تقویمی) قفقاز" (Кавказский календарь) که در بین سال های 1845 تا 1917 میلادی در تفلیس گرجستان چاپ شده است، منبع بی نظیر و مهمی است. بر اساس این مجموعه، در سال 1855 میلادی در منطقه شماخی ساکنان کرد دیده نمی شوند اما در منطقه قراچرلی (میرباشیری) که شمال مناطق لاجین، کلجبر، قوباتلو امروزی می باشد، 14.634 نفر مسلمان زندگی می کردند که 12.248 نفر از آنها کرد بوده اند (ر.ک. جدول 1) (D.Müller, 2000, p. 2; Кавказский календарь, 1855, pp. 360-). (361)

در مجموعه مذکور در بخش اطلاعات سال 1855 با جزئیات روستاهای منطقه شامل زبان، دین و نژاد ساکنان این روستا نیز آمده است که بخش قابل توجهی از این کردها سنی و شیعه هستند (ر.ک. جدول 2) (Кавказский календарь 1845-1916, pp. 362-375).

اما جالب توجه این است که بنابر این داده ها، بعضی از ساکنان کرد این منطقه با زبان مادری تکلم نمی کردند. از 77 روستای کردنشین فقط 31 روستا کرد زبان بوده اند و در 46 روستا کردها با زبان تاتاری صحبت می کردند. دلیل تغییر زبانی این کردها به احتمال زیاد دورافتادگی از کردهای دیگر منطقه بوده است، چون این قوم به عنوان یک اقلیت در محاصره ترک زبان ها قرار داشت و با مرور زمان مجبور به پذیرفتن زبان اکثریت شد. دلیل دوم این بود که در اکثر روستاها محققان موارد ازدواج های بیرون قومی کردها با ترک زبانان را منطقه ثبت کرده اند (Cavadov Q., 2000, pp. 110-112). با این که در این شرایط کردها در یکی دو روستای منطقه توانسته اند زبان خود را حفظ و در بین ترک زبان ها گسترش بدهند (در روستای زارتی منطقه کردستان سرخ در اوایل قرن 20 میلادی)، اما به طور کلی روند به سوی تغییر زبانی کردها و پذیرفتن زبان تاتاری بوده است (Букшпан А., 1932, pp. 72-73). در این سال ها تحمیل زبان تاتاری (آذربایجانی) به ساکنان غیر ترک زبان این منطقه در قرون 19 و 20 میلادی سیاست دولتی بوده و با همین شکل تا به امروز ادامه دارد. سیاست تبدیل زبان تاتاری به زبان تماس بین اقوام غیر ترک زبان منطقه (lingua franca) بخش شرقی قفقاز جنوبی و جنوب منطقه داغستان توسط محققان قرن 19 ثبت شده است (Н. Г. Волкова, 1969, p. 43).

به گفته منابع این دوره، کردها در نیمه دوم قرن 19 میلادی از بخش های آراشی، جبریل، جوانشیر و زنگزور منطقه ایلز اوتهول به آذربایجان کنونی مهاجرات کرده اند. تحقیقات میدانی گروه محققان با ریاست محقق اریستووا نشان می دهند که ساکنان بزرگسال کرد، نام های مناطقی که از آنجا مهاجرت کرده اند و نام های روستاهای اصلی خود - که از مناطق کردنشین خاورمیانه به وجود آمده اند- را به یاد دارند. در بیشتر موارد روشن می گردد که کردها در بخش های مختلف جمهوری آذربایجان کنونی در قرن 19 میلادی سکنی گزیده اند. افزون بر این در مناطقی که بعد از قرارداد ترکمنچای تحت سلطه روسیه در آمده بودند، روستاهای کردنشین وجود داشتند که در دوره شوروی به طور رسمی به عنوان بخشی از جمهوری آذربایجان درآمدند. در بین اینها روستاهای زیلانلی و شوتالانی منطقه قوباتلو بودند (Т.Ф. Аристова, 1966, pp.37-39). ساکنان این روستاها و روستای زیلیک که در دوران جنگ های روسیه و ایران به این منطقه گریخته بودند در اوایل قرن 20 میلادی به منطقه کلانبار انتقال داده شدند (Бугай Н., Броев Т., Броев Р., 1993, p. 46).

اریستووا در سال 1888 میلادی در این روستا به 23 خانواده کرد و 47 خانواده ارمنی اشاره کرده است. بر اساس داده ها و آمار دوره مذکور، در روستاهای دیگر منطقه لاجین مانند بزلو، آجاکند، میریک، کامالی وجود خانواده های کرد نیز ثبت شده است. اهالی روستای زیلیک منطقه کلنجر، روستای زیلانلی منطقه زنگلان و روستای مینکندی منطقه لاجین اجداد خود را از اقوام بابایی، شاهسون، فرخکنلی و غیره می دانستند. در قرن 19 بخش شهرستان شاخسوالوی آنستان پیشین الیز اوتهول شامل هفت روستای کردنشین بود که شاخسوالوی، بارزگون-گریک، مینکندی، بزلو (کامالی)، آق-کیورپی (بزانلو)، آلپوت، میریک-حسنلو در بر می گرفت. در شهرستان فراخکیانلی روستاهای کردنشین فراخکنلی و حسنلی قرار داشتند (Список населенных мест Азербайджана по данным переписи 1926 года, 1927, p. 40).

در سال 1868 میلادی بعد از تنظیمات جدید اداری قفقاز جنوبی، روستاهای کردنشین مورد بحث بخشی از استان ایلز اوتهول شدند. مهمترین داده ها برای تحقیق ترکیب جمعیتی این استان، سرشماری رسمی سال 1873 میلادی بوده است که در سال 1880 میلادی توسط سازمان آمار منطقه قفقاز چاپ شده است (Т. Н. Александрович, et all., 1905, pp. 176-18). همچنین «سرشماری خانوادگی» انجام شده در سال 1886 میلادی و سرشماری رسمی انجام شده در سال 1897 میلادی بوده است (Т. Н. Александрович, Тугорский, 1904, стр. pp. 20-25).

اما در آمار ثبت شده سال 1873 میلادی نه فقط مشخصات زبانی ذکر نشده است، بلکه مشخصات دینی و نژادی نیز جداگانه آمده اند که کار تحقیقات موردی را دشوارتر می کند. در این جدول تعداد کردها 15.366 تن آمده است، یعنی در طول 18 سال تغییری ایجاد نشده است (در سال 1855 میلادی تعداد کردها 14.634 نفر بوده است). در سرشماری خانوادگی سال 1886 میلادی اطلاعات جزئی تر در مورد استان ایلز اوتهول دیده می شود. در سال 1888 میلادی یک کتاب در مورد نتایج سرشماری استان ایلز اوتهول و در سال 1893 میلادی یک کتاب در مورد کل منطقه قفقاز جنوبی به چاپ رسیده است. از آنجایی که کتاب دوم در مورد کل منطقه بوده است، جزئیات سرشماری این دو کتاب با هم تفاوت دارند اما تحقیقات ترکیبی این دو سند نشان می دهند که تعداد کردها بنابر داده های چاپ شده در سال 1893 میلادی 34.162 نفر و در سال 1888 میلادی 33.830 نفر بوده است. در این جدول ها از 34.162 نفر 161 نفر به عنوان کرد سنی، 81 نفر به عنوان کرد Alī Alāhī و 33.588 نفر از آنها به عنوان کرد شیعه یاد شده است (Т. Н. Александрович, Тугорский, 1904, стр. pp. 30-35). قابل توجه است که در این سال ها بیشتر کردهای این منطقه، دیگر به زبان مادری خود تکلم نداشتند و تاتار زبان شده بودند.

ولی داده های استان ایلز اوتهول در مورد کردها، بعد از سرشماری کلی روسیه تزاری در سال 1897 میلادی، تغییرات چشمگیری پیدا می کند. بنابر سرشماری مذکور در کل استان ایلز اوتهول فقط 3042 نفر کرد زندگی و به زبان کردی صحبت می کردند (Т. Н. Александрович, Мосевич А. Я., 1904, стр. 8-11). اما این داده ها نیز نمی توانند تعداد واقعی ساکنان کرد منطقه را روشن کنند، چون این سرشماری بر اساس زبان انجام شده است و کردهایی که تغییر زبانی داده بودند و به تاتاری یا آذربایجانی صحبت می کردند، آذربایجانی محسوب شده بودند. در این سرشماری حتی تعداد کردهایی که به زبان مادری خود صحبت می کردند کاهش یافته و به 1663 نفر رسیده بود. سیاست ادغام جمعیت کرد و تاتار زبان (آذربایجانی کردن) این قوم در طول قرن 19 میلادی همچنان ادامه داشته است.

وقتی که در سرشماری سراسری سال 1897 میلادی، به جای نژاد و قومیت، زبان جایگاه اصلی را پیدا کرد، در بین تعداد واقعی ساکنان کرد تناقض ایجاد می شود. بالاترین تعداد کردها که در منابع این زمان ذکر شده است 34.162 نفر بوده است که

بر اساس نژاد و قومیت کرد بودند و پایین ترین تعداد ذکر شده این قوم 3042 نفر بوده که کردهای شیعه بودند و به زبان مادری خود صحبت می کردند (D. Müller, 2000, p. 44).

در اوایل قرن بیستم میلادی نیز تعداد کردهای استان ایلزوتپول نامنظم است و تقریباً داده های اواخر قرن نوزدهم میلادی انعکاس می یابد. در مجموعه «کاوکازسکی کالندار» تناقض و نوسان تعداد جمعیت کرد این استان به طول مشخص مشاهده می شود. برای مثال در چاپ سال 1910 میلادی این مجموعه که در آن آمار سال 1909 میلادی آمده است، در بین جمعیت این استان، وجود هیچ کردی ذکر نشده است (Кавказский календарь, 1845-1916, p. 38). به نظر می رسد که با کاهش تعداد ساکنان کرد و یا حذف کامل این قوم از آمارهای ترکیب جمعیت، حکومت مرکزی تلاش می کرد سیاست یک دست کردن شیعیان منطقه را پیش ببرد و مشکلات روسی سازی این منطقه مرزی را حل کند. یعنی همه شیعیان این منطقه تاتار (آذربایجانی) معرفی می شدند. در ادامه این سیاست، در سال 1915 میلادی در آمارهای چاپ شده این سال، تعداد کردها 236 نفر آمده است (Новосельский С. А., 1916. p. 40) در حالی که یک سال بعد در سال 1916 میلادی در همین مجموعه تعداد کردهای منطقه 3802 نفر ذکر شده است (Кавказский календарь 1917, p. 192-196).

در مقابل این د. مولر تأکید دارد که منابع دیگری بخصوص نقشه ها، مجموعه جاینام ها و نوشته های خاصی برای تحقیق تعداد کردهای این منطقه وجود دارند. این محقق حتی تلاش کرده است که زمان تاتار زبان شدن کردها را نیز مشخص کند و بنابر تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که تعداد کردها در استان ایلزوتپول در سال 1917 میلادی باید بالغ 60 هزار نفر می بود که بیشتر آنها کردهای شیعه بودند. با در نظر گرفتن مذهب کردهای منطقه، به احتمال زیاد نزدیکی این قوم با جمعیت تاتار این منطقه به دلیل شیعه مذهب بودن اتفاق افتاده است. به نظر د. مولر به دلیل مذهب و محاصره جمعیتی فقط 10 درصد کردها در این زمان به زبان مادری صحبت می کردند. اما تعداد نامشخصی هم وجود داشتند که دوزبانه شده بودند، یعنی هم زبان مادری خود را حفظ کرده بودند و هم برای ارتباط با اقوام همسایه، زبان تاتاری (آذربایجانی) به کار می بردند. در نتیجه از دست دادن زبان مادری، ازدواج های بین قومیتی و انتقال به شهرهای بزرگ، تعداد قابل توجهی از کردها خودآگاهی ملی و قومی خود را از دست داده بودند (D. Müller, p. 45).

کردها در دوران جمهوری خلق آذربایجان

اوایل قرن 20 میلادی برای قفقاز جنوبی یک دوران سرنوشت ساز بود، چون وقتی که در سال 1917 میلادی روسیه تزاری فرو پاشید، در ماه می 1918 میلادی جماهیر قفقاز جنوبی یعنی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان استقلال خود را اعلام کردند. عمر این کشورها تا اواخر سال 1920 میلادی ادامه داشت و دو بار تحت تسلط روسیه شوروی درآمدند. همانگونه که در بالا ذکر شد؛ در آخرین آمار دوره روسیه تزاری، جمعیت کردها 3802 نفر ذکر شده بود. در ماه ژانویه سال 1919 میلادی توسط ارتش انگلیس در بین قره باغ و زنگزور منطقه حائل به وجود آمد و ریاست این منطقه به خسرو بگ سلطانوف رئیس حزب اتحاد سپرده شد (Vəliyev-Baharlı M., 1993, p. 98). انگلیسی ها برای این کار دلایل خود را داشتند. اولین دلیل؛ ارتباط نزدیک این سیاستمدار با حکومت خلق آذربایجان بود، دومین دلیل؛ نژاد وی بود. مناطق لاجین، کلبر و قوباتلو زمین های وارثی این خانواده بودند و به همین دلیل دولت خلق آذربایجان این فرد را انتخاب کرد. محقق آذربایجانی، لطیف محمد اف، اشاره می کند؛ با این که خسرو بگ سلطانوف نژاد کردی داشت و بازمانده قوم سلطانی کردی بود، سیاست خشنی در مورد کردها و ارمنی های منطقه در پیش گرفته بود (Мохаммад Л.).

دولت خلق آذربایجان به وسیله خسرو بگ سلطانوف تلاش داشت از کردهای ساکن این منطقه گروه های مسلح نظامی تشکیل داده و برای سیاست خود استفاده کند. در این زمان دولت خلق آذربایجان موفق شد در برخی موارد از کردهای لاجین و مناطق اطراف آن برای مقابله با ارامنه قره باغ کوهستانی استفاده کند (Babajan D. , 2005, p. 92). دولت خلق آذربایجان همچنین سعی داشت منطقه ای ایجاد کند که ارمنستان و قره باغ را از هم جدا می کرد. آ. ستلکوف در مورد این گروه های نظامی کرد می نویسد: دولت خلق آذربایجان برنامه ای داشت که در ارتش خود یک گروه تحت عنوان «قزاق های کرد» ایجاد کند تا در مناطق نزدیک قره باغ و زنگزور خدمت کنند. حتی قانونی تصویب شد که در دوران صلح، کردها باید گروه پیاده نظام 400 نفری و گروه آسب سوار 200 نفری تشکیل می دادند. این دو گروه باید بخشی از ارتش جمهوری خلق آذربایجان می شدند که دوره خدمت آن باید دو ساله می بود (Стеклов А., 1928, pp. 40). برای آموزش این گروه ها در مدرسه نظامی بخش کردی تشکیل شد، اما در واقع روند تشکیل گروه های نظامی کرد به طور کامل به انجام نرسید، چون در نهایت این منطقه تحت تسلط دولت شوروی در آمد.

در این زمان روستاهای کردنشین این منطقه از حملات کوتورلو بگ، یکی از نزدیکان خانواده سلطان اف، آسیب دیده بودند. این حملات نه فقط به روستاهای کردنشین، بلکه به روستاهای ترک نشین و ارمنی نشین هم انجام می شد. در بیشتر موارد، حملات به روستاهای کردنشین با کشتن مردان کرد و غارت کامل اموال روستا همراه بود (Букшпан А., pp. 69-72). در مواردی که روستانشینان مقاومت می کردند، دست اندرکاران دولت خلق آذربایجان - به خصوص نسبت به روستانشینان منطقه لاجین و قوباتلو - رفتار بسیار خشنی پیش می گرفتند. در نتیجه این حملات و سیاست خشن، وضعیت اقتصادی مناطق کردنشین به شدت بحرانی شده بود.

همزمان فشارهای اجتماعی نیز نسبت به کردها ادامه داشت. با تلاش زمین داران و سیاستمداران دولت خلق آذربایجان، فشار برای تغییر زبانی کردها بیشتر شد. مردم کرد منطقه، توسط موساواتی ها¹ به تمسخر گرفته می شدند، این رفتار رفته رفته به مردم دیگر منطقه نیز انتقال می یافت. محققان ثبت کرده اند که در چنین فشار اجتماعی حتی مواردی بودند که کردها قسم می خوردند و از صحبت کردن به کردی خودداری می نمودند (Аристова Т. Ф., 1990, p. 67). این جمعیت کم کم یا دو زبانه می شدند، یا کردی را به طور کلی فراموش کرده و فقط با ترکی صحبت می کردند. بوکشپان نیز مواردی ثبت کرده است که در روستاهای کاملاً کردنشین نیز مردم با انتخاب خود از صحبت کردن به زبان کردی خودداری کرده اند (Аристова Т. Ф., 1990, p. 72).

در چنین شرایطی بیشتر کردهای منطقه زبان مادری خود را از دست می دادند و ترک زبان می شدند، اما در بعضی جاها فشارهای دولتی باعث می شد که کردها از اقوام و روستاهای دیگر منطقه فاصله بگیرند و به شکل «جزیره ای» به زندگی خود ادامه دهند. در چنین شرایطی ترکی به عنوان زبان رسمی گسترش چشمگیری پیدا کرد و به عنوان «زبان باز» (açık dil) معرفی شد. «زبان باز» به این معنی بود که، مردم به شکل راحت و باز با آن زبان با یکدیگر ارتباط می گرفتند. این امر باعث شد که کردی بیشتر در خانواده ها و در اجتماعات خیلی کوچک، استفاده شده و جایگاه خود را از دست می داد. شرایط مذکور و موقعیت جغرافیایی کردها (آنگاه که این قوم تقریباً همیشه در محاصره ترک زبانان زندگی می کرد) باعث شد که رود آسیمیلیسیون کردها و ترک زبان شدن شان با شدت بیشتری پیش برود.

اما در چنین شرایطی شوروی سازی منطقه آذربایجان کنونی در آوریل سال 1920 میلادی با سرعت اتفاق افتاد. نباید از نظر دور داشت که در بعضی مناطق، مقاومت در برابر ارتش سرخ رخ داد که با روش های بسیار خونین سرنگون شدند. در سال 1921 میلادی در زمان سرشماری سراسری دولت شوروی، استان ایلیزاوتپول به 8 بخش (Uezd) تقسیم شده بود که 6 بخش آن در داخل آذربایجان شوروی قرار داشت و دو بخش دیگر نیز بین ارمنستان و آذربایجان تقسیم شده بودند. آذربایجان بیشترین بخش مناطق قزاق و زنگزور را به خود اختصاص داده بود. این به آن معنی است که همه مناطق کردنشین استان ایلیزاوتپول بیشین در داخل جمهوری آذربایجان شوروی قرار گرفته بودند. بخشی از منطقه زنگزور که به آذربایجان انتقال یافته بود، تغییر نام کرد و قوباتلو نامیده شد. بر اساس سرشماری سراسری مذکور، در 5 بخش از 15 بخش آذربایجان شوروی، کردها زندگی می کردند. بر طبق این سرشماری تعداد کردهای آذربایجان شوروی 741/29 بوده است. اما جای شگفتی است که در 10 بخش این کشور هیچ ساکن کرد ثبت نشده است، چون در شهرها و روستاهای دیگر نیز، حتی با تعداد کم، می بایست کردها زندگی می کردند (ر.ک. جدول 3) (Müller D., pp. 46-47).

جالب توجه است که نام منطقه نخجوان در این سرشماری ذکر نشده است، با این که بنابر سرشماری سال 1926 میلادی در این منطقه 2649 کرد زندگی می کردند. در بین شهرنشینان آذربایجان شوروی بنابر سرشماری مذکور 8554 نفر هم در رده «اقوام دیگر» ذکر شده اند که بدون شک بخشی از این اقوام باید کرد می بودند، چون در سرشماری سال 1926 میلادی در آذربایجان شوروی 267 کرد ثبت شده است که در شهرها یا شهرک ها زندگی می کردند (Всесоюзная перепись населения 17 декабря 1926 г 1927-1929). شاید این ذهنیت از این رو باشد که در سال 1921 لاجین هنوز شهر نبود اما 110 نفر ساکن کرد داشت که در سال 1926 به عنوان شهر ذکر می شود.

در نتیجه اگر منطقه نخجوان را هم در نظر بگیریم، در سال 1921 میلادی در آذربایجان تقریباً 30 هزار ساکن کرد زندگی می کردند. با این که بنابر گفته مولر تعداد ساکنان کرد این منطقه بیشتر از این بوده است اما به دلیل سیاست دولت تزاری،

¹ عنوان حزب حاکم جمهوری خلق آذربایجان و اعضای آن حزب

جمهوری خلق آذربایجان و کشتار کردها در بین سال های 1918-1921 در کل تعداد کردهای آذربایجان باید در حدود 30 هزار نفر دانست (Всесоюзная перепись населения 17 декабря 1926 г., 1927-1929).

روند شکل گیری و انحلال کردستان سرخ

در 16 جولای سال 1923 میلادی با دستور کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی با ریاست سرگئی میرونوویچ کیروف منطقه کردستان (Kôrdistana Sor «Kurdistsansky Uyezd») به وجود آمد. تا این زمان کمیته مرکزی حزب کمونیستی آذربایجان در چهار جلسه مختلف (در 21 و 22 اکتبر سال 1922 میلادی، در 30 دسامبر 1922 میلادی و در 13 ژانویه 1923 میلادی) نتوانسته بود سرحد جغرافیای این منطقه را مشخص کند (Babajan D, pp. 116-117). در نهایت تصمیم گرفته شد که این منطقه در بین ارمنستان و قره باغ کوهستانی ایجاد شود. اگرگ² کردستان مناطق کلبر، لاجین، قوباتلو و همچنین بخش هایی از مناطق زنگزور و جبرئیل را در بر می گرفت (Babajan D, pp. 116-117). قابل ذکر است که هنوز از سال 1921 میلادی صحبت ایجاد منطقه کردستان به گوش می رسید. اولین بار در ماه مه سال 1921 در جلسه شورای آذربایجان، از بخش قوباتلو به عنوان منطقه ای که در آن قحطی وجود دارد یاد می شود. در همین ماه در جلسه کمیته مرکزی حزبی آذربایجان اولین بار نام کردستان به عنوان یک منطقه از آذربایجان شوروی ذکر می شود که در آن نیز قحطی وجود دارد. در روزنامه «کارگر باکوئی» (Бакинский рабочий) در ماه اوت سال 1921 میلادی مقاله ای چاپ شده است در مورد این که در بخش کوتولو منطقه جواتشیر هزاران کرد جمع شده و اعلام کرده اند که نسبت به شوراهای جدید بی طرف می باشند و دوست دارند گروه های مسلح سرخ تشکیل دهند تا همانند گروه های کردهای دولت خلق آذربایجان باشند (Бакинский рабочий 22 августа, 1921).

در 3 اکتبر 1921 میلادی در روزنامه «زندگی ملت ها» (жизнь народов) که سردبیر آن در این زمان یوسف استالین بود، مقاله ای به چاپ رسید که در آن به مساله کردستان پرداخته بود و اشاره می شده که دولت شوروی به طور جدی طرح ایجاد جمهوری کردستان را مورد بررسی قرار داده است (В договорных, Советских республиках N20, 3 октября 1921, с. 4). در 14 نوامبر 1921 میلادی در روزنامه کارگر باکوئی سخنانی نیکولای کارایو رئیس شورای کمیساریای ارتش و ناوگان آذربایجان شوروی به چاپ می رسد که در آن ن. کارایو اعلام می کند که در گوشه ای از آذربایجان یک منطقه ای است که در آن قحطی رایج شده و نیاز به کمک است (Бакинский рабочий, 22 ноября 1921). در همین روز نریمان نریمانف رئیس شورای کمیساریای خلق آذربایجان شوروی در نامه ای به ولادیمیر لنین اعلام می کند که ارتش ملی آذربایجان ایجاد شده است. در ادامه همین نامه نریمانف به اطلاع لنین می رساند که جدیداً 40 میلیون روبل به مناطقی منجمه به کردستان که در آن قحطی وجود دارد اختصاص داده شده است (В. Ленин, Москва 1975, с. 560).

این که فقط بعد از چهار جلسه کمیته مرکزی تصمیم به ایجاد منطقه کردستان گرفته است، نشان می دهد که برای دولت شوروی به وجود آوردن این منطقه مهم و باعث بحث و جدال جدی بوده است. بخش قوباتلو و مناطق اطراف آن موضوع جدال بوده اند و به همین دلیل قوباتلو تنها در 7 جولای سال 1923 بخشی از کردستان سرخ شد. بعد از پیوستن این منطقه به کردستان در 16 جولای همین سال در جلسه ای با ریاست سرگئی کیروف تصمیم به ایجاد منطقه کردستان سرخ گرفته شد. در ماه اوت همین سال بولشویک اهل شهر شوشی قره باغ با اسم گاجی اف رئیس منطقه کردستان شد (Babajan D., p. 126).

همینطور که قبلاً اشاره شد جاینام کردستان دو سال قبل از ایجاد منطقه کردستان سرخ وارد ادبیات سیاسی شده بود. منطقه کردستان شامل بخش های قراقلشاق، کلبر، قوباتلو، کوتورلی، کورد-حاجی و مورادخانلی بوده است (Vanly I. C., p. 201). شهر لاجین به مرکز این منطقه تبدیل می شود. در بین سال های 1923 تا 1929 میلادی این منطقه «کردستانسکی اویزل» (Kurdistsanski i uyezd) یا «کردستان» نامیده می شود.

در سال 1924 میلادی از تفلیس یک گروه پژوهشی با رهبری چورسین به منطقه کردستان سفر می کنند. در این پژوهش که در سال های 1925 و 1932 میلادی انجام شد چورسین و یکی دیگر از پژوهشگران این گروه با نام پچولینا تحقیقات خود را در مورد منطقه کردستان به چاپ می رسانند. چورسین فرصت نمی کند به همه مناطق کردستان سفر کند و بیشتر تحقیقات خود را در منطقه مینکند و با کمک خانواده شاهسوارلو انجام می دهد. به نوشته چورسین در این زمان در منطقه کردستان حدوداً 44

² اگرگ در قرون 19 و 20 میلادی در تنظیمات جغرافیایی منطقه معادل استان بوده است.

هزار نفر زندگی می کردند که 35 هزار (یا 80 درصد) از این جمعیت کرد بوده اند. چورسین همچنين ادامه می دهد که؛ همه کردهای این منطقه شیعه مذهب بودند اما بیشتر از 50 درصد این کردها زبان مادری خود را فراموش کرده و به ترکی آذربایجانی صحبت می کنند (Чурсин Г. Ф., стр. 1-16).

در 17 دسامبر سال 1926 میلادی در شوروی سرشماری سراسری انجام می شود که هدف آن مشخص کردن تعداد ملل شوروی بوده است. نتایج این سرشماری در سال 1929 میلادی چاپ می شود که در آن کردها در دو بخش کردهای شهروند شوروی و غیر شهروند رده بندی شده بودند. بر اساس این سرشماری در آذربایجان 41.193 نفر شهروند کرد و 67 نفر غیر شهروند زندگی می کردند (Всесоюзная перепись населения 17 декабря 1926). جالب توجه است که از این تعداد فقط 1758 نفر به عنوان شهروند تحصیل کرده ذکر شده بودند و غالباً به کردی صحبت نمی کردند. آمار جمعیت تحصیل کرده جالب توجه است، چون آن زمان کردی به هیچ عنوان در مدارس و یا جاهای دیگر تدریس نمی شد. به همین دلیل در سال 1926 میلادی برای 16 درصد کردهای آذربایجان، زبان مادری کردی، ذکر کرده اند. 80 درصد آنها ترکی - تارتاری و دیگران روسی را زبان مادری خود می دانستند (Müller D., pp. 51-52). اما برعکس این از 2649 نفر کرد منطقه نخجوان 2631 نفر زبان کردی را به عنوان زبان مادری ذکر کرده اند. از این نکته، مشخص می شود که کردهای سنی مذهب نخجوان بیشتر از کردهای شیعه مذهب به زبان مادری پایبند بوده اند. اگر منطقه نخجوان را حساب نکنیم باید ثبت کنیم که بنابر این سرشماری 4177 (10.8%) نفر از کردهای آذربایجان کرد زبان، 34.182 (88.7%) نفر از کردها ترکی-تارتاری زبان بودند و حدوداً 200 نفر دیگر هم به زبان های دیگر منطقه صحبت می کردند (Большая советская энциклопедия, т. I, 1929, с. 642).

اگر به منطقه کردستان برگردیم باید گفت که بنابر این سرشماری از 51.426 نفر منطقه کردستان 37.182 نفر از لحاظ نژادی کرد بودند، اما فقط برای 3123 (6.1%) از این جمعیت زبان کردی به عنوان زبان مادری ذکر شده است (Большая советская энциклопедия т. I, 1929, с. 51). آمار جمعیت کرد منطقه کردستان که داوید بابایان در تحقیقات خود آورده است، با آمار مولر تفاوت دارد. به نوشته بابایان در سال 1926 میلادی در منطقه کردستان 37.470 (73.1%) نفر کرد، 13.520 (26.3%) نفر ترک آذربایجانی و 256 (0.5%) ارمنی زندگی می کردند (Babajan D, p. 116). در بیشتر بخش های منطقه کردستان بجز قوباتلو جمعیت کرد اکثریت قاطع داشت. در قراقشلاق 99.7%، در کلبر 99.8%، در قوباتلو 99%، در کوتورلی 99%، در کورد-حاجی 98.6% و در مورادخانلی 98.9% جمعیت کرد بودند. در مناطق قوباتلو و مورادخانلی 1 درصد جمعیت ارمنی و بقیه جمعیت ترک های آذربایجان بوده اند (Müller D., p. 52).

دلیل مشخص نبودن آمار دقیق کردهای این منطقه، سیاست دولتی آن زمان بود که کردها را به عنوان آذربایجانی ثبت می کردند. برای مثال در بخش قوباتلو در بین سال های 1922 تا 1923 میلادی تعداد جمعیت 13.533 نفر ثبت شده است که از این تعداد 13.267 نفر به عنوان ترک آذربایجانی ثبت شده اند و فقط یک نفر به عنوان کرد ذکر شده است (Обзор деятельности Совнаркома ЗСФСР, 1923, с. 16). به احتمال زیاد حکومت وقت آذربایجان همه کردهای تاتاری زبان این منطقه را به عنوان آذربایجانی ثبت کرده و بدین طریق سیاست کردزدایی را به عمل آورده اند. می توان گفت که این جمعیت همین کردهای شیعه مذهب بودند که در مورد آنها چورسین و سیسویو صحبت کرده اند.

بجز منطقه کردستان در دیگر بخش های آذربایجان نیز کردها زندگی می کنند که تعداد جمعیت شان 7.335 نفر می باشد. در آمارهای رسمی فقط 6.808 نفر از این تعداد به عنوان شهروند کرد شوروی ذکر شده اند. در این آمارها 67 نفر کرد غیر شهروند شوروی و 23 نفر به عنوان ایزدی ذکر شده اند. بدین ترتیب ایزدی های شوروی نیز کرد دانسته نمی شدند. 480 نفر دیگر که به عنوان ترک های کرد زبان ذکر می شوند، آنانی هستند که در نتیجه ازدواج های بیرون قومیت به دنیا آمده اند (Babajan D, p. 118).

منطقه کردستان عمری طولانی نداشت و در 8 آوریل 1929 میلادی با تصمیم ششمین کنگره آذربایجان شوروی منحل شد. این تصمیم توسط کمیته مرکزی اتحادیه جماهیر سوسیالیستی شوروی نیز تأیید شد و این منطقه در استان های دیگر ادغام شد. جمهوری آذربایجان شوروی اما خودش تصمیم نهایی در مورد تشکیل استان های خود می گرفت، که به جای 13 منطقه پیشین 8 استان تشکیل شد. در سال 1929 میلادی بعد از منحل کردن منطقه کردستان، چهار بخش به عنوان کلبر، لاجین، قوباتلو و جبرئیل به وجود آمدند (Букшпан А., 1932, pp. 10-11).

بعداً در 25 مه سال 1930 میلادی توسط کمیته مرکزی آذربایجان شوروی، دوباره تصمیمی در مورد ایجاد منطقه کردستان گرفته شد. این منطقه جدید از لحاظ جغرافیایی بزرگتر بود و باید عنوان استان کردستان می داشت. به جز مناطق پیشین، منطقه زنگلان و بخشی از جبرئیل نیز بخشی از این منطقه بود و مرز کردستان سرخ به مرز ایران می رسید. می بایست دوباره شهر لاجین مرکز این استان می بود (Заря Востока, 2 июня 1930). اما حدوداً دو ماه بعد در 23 جولای سال 1930 میلادی شورای کمیسیونهای خلق اتحاد جماهیر شوروی تصمیم بر سیستم تقسیم بندی جدیدی گرفت. در 8 ماه اوت همین سال حکومت آذربایجان شوروی نیز این تصمیم را تأیید کرد (История государства и права Азербайджанской ССР, 1973, с. 412, 505). به جای اوکروگ باید استان ها و بخش ها ایجاد می شدند. اوکروگ کردستان منحل شد اما استان یا بخش کردستان ایجاد نشد. می توان گفت که این آخرین بار است که در اسناد رسمی شوروی از منطقه جغرافیایی کردستان نام برده می شود.

وضعیت کردهای آذربایجان بعد از انحلال کردستان سرخ

سیاست قومی که آذربایجان شوروی در پیش گرفته بود هدف از بین بردن اقوام غیر ترک زبان بود که در نتیجه آن باید جمعیت ظاهر را یکپارچه در این کشور به وجود می آمد. در شماره 15 اکتبر سال 1929 میلادی روزنامه "طلوع شرق" (Заря Востока) آمده است: روابط و ارتباط در کردستان آذربایجان به مشکلات خورده اند و وضعیت غیرقابل قبولی دارند. ترک های آذربایجان در مقایسه با اقوام دیگر این منطقه ملت جدیدی هستند اما بر عکس ملل دیگر رشد جمعیتی خوبی نشان می دهند. این جمعیت ترک زبان در نتیجه جابه جایی ترک زبانان مناطق همجوار و «ترک زبان» کردن اقوام قدیم این منطقه، در حال شکلگیری کامل است (Заря Востока, N237, 15 октября 1929 г). این نشانگر سیاستی است که دولت های تزاری و شوروی آذربایجان نسبت به اقوام دیگر این کشور سال های دراز در پیش گرفته بودند. جالب توجه است که در آذربایجان شوروی تا به سال 1931 میلادی هیچ مدرسه کردی اجازه فعالیت نداشته است (Букшпан А., р. 5, 62, 77-78). اولین مدرسه کردی در بین سال های 1931 تا 1932 میلادی یعنی بعد از از بین رفتن کردستان سرخ به وجود آمده اند (Аристов Т., 1966, с. 86). این مدارس کم و بیش تا سال های 1937 – 1938 میلادی فعالیت می کنند. بعد از بسته شدن مدارس مذکور دیگر در جمهوری آذربایجان شوروی هیچ مدرسه کردی اجازه فعالیت پیدا نمی کند. این حتی با قوانین شوروی همخوانی نداشت چون بعد از به وجود آوردن منطقه کردستان سرخ باید در آنجا مدارس و مراکز فرهنگی کردی هم باز می شدند، اما بنابر اهداف سیاسی خاص این امر به واقعیت نپیوست.

بعد از از بین بردن کردستان سرخ هم حکومت آذربایجان شوروی با فرهنگ کردی و حق تحصیل به زبان مادری کردها مشکل داشت. برای مثال کردهای منطقه نخجوان برای تحصیل مجبور بودند به ارمنستان شوروی و شهر ایروان انتقال پیدا کنند. کردهایی هم که در منطقه کردستان سرخ پیشین و مناطق دیگر آذربایجان شوروی زندگی می کردند تحصیلات خود را در دانشگاه تربیت مدارس شهر شوشی قره باغ ادامه می دادند (Babajan D, p. 119). در بین سال های 1929 تا 1938 میلادی در آذربایجان شوروی نسبت به کشورهای دیگر قفقاز جنوبی کمترین تعداد کتاب ها به زبان کردی چاپ می شد. بنابر اطلاعات موجود در بین سال های مذکور در آذربایجان شوروی 28 کتاب کردی چاپ شد که حق پخش این کتاب ها هم محدود بود (Библиография советской курдской книги, 1962). حتی «روزنامه کردستان سرخ» که بعد از منحل شدن کردستان سرخ، در سال 1931 میلادی در شهر لاجین شروع به چاپ کرده بود و تا سال 1962 میلادی به فعالیت خود ادامه می داد، به زبان آذربایجانی چاپ می شد. تا آخر عمر جمهوری آذربایجان شوروی، در این کشور محققان کرد حق تحقیق در مورد کردهای آذربایجان، زبان و تاریخ این قوم نداشتند و به هیچ عنوان اجازه چاپ نمی گرفتند (Muller D., p. 65).

در نتیجه این سیاست، از دهه 30 میلادی قرن بیستم جمعیت کرد آذربایجان شوروی «ناپدید» شدند. در سرشماری سال 1937 میلادی تعداد کردهای جمهوری آذربایجان شوروی 10.8 هزار نفر ذکر می شود (Всесоюзная перепись населения 1937 года, 1991, р. 95). در حالی که بنابر سرشماری سال 1921 میلادی تعداد کردهای روستا نشین این کشور 32.780 نفر بوده است (Обзор деятельности Совнаркома ЗСФСР, Тб., 1923, с. 16). در سال 1926 میلادی هم تعداد کردهای جمهوری آذربایجان شوروی حدوداً 41 هزار نفر بود (Мамедов К., 1982, с. 55). در ادامه سیاست «ناپدید کردن» جمعیت کرد این کشور می بینیم که دهه های بعد این جمعیت به تدریج کاهش می یابند. در سرشماری های سال 1939 میلادی تعداد کردها 6 هزار نفر، در سال 1959 میلادی 1.5 هزار نفر و در سال 1970 میلادی 5.5 هزار نفر ذکر شده است. 1979 میلادی هم بعد از سرشماری سراسری اعلام شد که در جمهوری آذربایجان شوروی هیچ کردی زندگی نمی کند (Мгои Ш., 2004, р. 4). قابل توجه است که در کشورهای دیگر قفقاز در دهه 90 میلادی قرن بیستم تعداد کردها 3.5 تا 4 هزار نفر افزایش

یافته بود. این که در آخرین سرشماری سراسری شوروی که در سال 1989 میلادی انجام شده است تعداد کردهای ساکن جمهوری آذربایجان شوروی 12 هزار نفر ذکر شده است، نشان می دهد که در سرشماری های پیشین که در این کشور انجام شده است، تعداد کردها به طور مصنوعی کاهش داده شده است. بر اساس توضیحات همین سرشماری اکثریت این کردها به زبان مادری خود صحبت می کردند (Национальный состав населения СССР 1990, с. 118-121). به نظر می رسد اهداف پشت پرده این امر، یکپارچه ساختن جمعیت این کشور بود که همه حکومت های این جمهوری تلاش داشتند با ترک زبان کردن جمعیت، به این کشور مشروعیت ببخشند. به کردهای ساکن جمهوری آذربایجان شوروی اجازه داده نمی شد که طبقه روشنفکر به وجود بیاورند و یکی از دلایل نداشتن طبقه روشنفکر در بین کردها این بود که در داخل جمهوری آذربایجان شوروی - حتی در زمان کردستان سرخ- به کردها اجازه داده نشد طبقه روحانیان ایجاد کنند. در منطقه ای که کردستان سرخ به وجود آمده بود حتی مسجدی برای کردها ساخته نشد. آ. الکیروف یکی از محققان شوروی در این مورد می نویسد: «در کردستان مسجدی وجود نداشت. روحانیت هم به شکل سنتی وجود نداشت. در اکثر موارد روحانی این منطقه هم زمین دار و هم تاجر منطقه بود. مناطق مقدس و زیارتگاه های مختلفی وجود داشتند، اما حالت مسجدی نداشتند. در نزدیک روستاهای سلطان بابا و سیدلار زیارتگاهی بود به نام آق – بابا که بیشتر سنتی بود تا اسلامی» (Алекперов А., 1936, с. 33-61). کردهای این منطقه که اکثریت آنها شیعه مذهب بودند برای تحصیلات دینی مجبور بودند زبان های ترکی یا فارسی یاد بگیرند و با این زبان ادامه تحصیل بدهند که بعدا این امر موجب تغییر زبانی و هویتی می شد.

سیاستی که حکومت نسبت به کردها در پیش گرفته بود باعث شد که بعد از منحل شدن کردستان سرخ در دهه 1920 میلادی در جمهوری آذربایجان حرکتی به وجود بیاید که خواست آن ایجاد دوباره منطقه خودمختار کردستان بود. یکی از خواسته های این جنبش خودمختاری فرهنگی و نژادی، حق تحصیل به زبان مادری و ایجاد مدارس کردی بود. رهبری این جنبش را آراب شامیلوف، حاجی جندی و آرمینه آودالی بر عهده داشتند که همه آنها از کردهای جمهوری ارمنستان شوروی بودند. آراب شامیلوف الفبای کردی را بر اساس حروف لاتینی و حاجی جندی هم الفبای کردی را بر اساس حروف سیریلیک ساخته بود. آرمینه آودالی هم سردبیر روزنامه کردی «ریا تازا» بود که در ارمنستان چاپ می شد. در سال 1933 میلادی این روشنفکران با تلاش آراب شامیلوف حرکتی به وجود آوردند که هدف آن به وجود آوردن زبان واحد کردهای جمهوری شوروی بود (Васильков Я.В., 2003, p. 350). در جمهوری آذربایجان شوروی بعد از رشد اقتصادی و برای مقابله با جنبش های اقوام مختلف این جمهوری، سیاست جدیدی پیش گرفتند که هدف اصلی آن به وجود آوردن جمعیت یکپارچه مسلمان جمهوری آذربایجان شوروی اعلام شد. حکومت باکو با چراغ سبز رهبران شوروی توانست مشکل کردهای این کشور را بدون خونریزی حل کند. حتی توانستند منطقه کردستان سرخ - که برای جمهوری شوروی آذربایجان جایگاه استراتژیک داشت- را تقریباً ترک زبان کنند. حکومت آذربایجان شوروی با جابه جایی جمعیت به تدریج توانست در منطقه کردستان سرخ پیشین، اکثریت جمعیت کردها را از بین ببرد. اگر در سال 1926 میلادی در این مناطق حدوداً 37 هزار جمعیت بود، که کردها در این تعداد اکثریت قاطع داشتند، در اوایل دهه 1980 میلادی در این منطقه 100 نفر زندگی می کردند. بر اساس رشد جمعیت این منطقه، کردها اکثریت جمعیتی را از دست دادند و تغییر زبانی نیز صورت گرفت.

نتیجه گیری

کردها در منطقه ای که امروز به آن جمهوری آذربایجان گفته می شود به طور منسجم در منطقه کردستان، که در بین ارمنستان و قره باغ کوهستانی قرار داشته، زندگی می کردند. افزون بر این بخشی از کردها نیز در مناطقی در باکو، زنگلان، یولاخ و نخجوان می زیستند.

در طول سالیان دراز کردها در آذربایجان تحت فشار سنگین سیاسی دولت های مختلف قرار داشتند که در نتیجه آن زبان مادری خود را از دست داده و به زبان ترکی آذربایجانی تکلم می کردند. با تغییر زبان مادری، بخش عمده ای از کردهای منطقه مورد مطالعه هویت ملی خود را نیز از دست دادند.

تحقیقات نشان می دهند که در صد و پنجاه سال گذشته تعداد کردها در منطقه مورد بررسی بیش از ده برابر کاهش یافته است. اولین دلیل کاهش جمعیت کرد، آمار های غیر واقعی بودند که در آن به طور مصنوعی تعداد کاهش می یافت. دومین دلیل، سیاست رسمی رهبران آذربایجان بوده است که تلاش می شد با فشارهای دستگاه دولتی، زبان و هویت این مردم تغییر کند. این سیاست دولتی از آنجا آشکار می شود که در سال های مورد بررسی هیچ مهاجرت بزرگی از آذربایجان رخ نداده است، به غیر از مهاجرات 500 تا 1000 نفر کرد از نخجوان در بین سال های 1937-1944 میلادی که آن هم به دلیل سیاست های دولت وقت

شوروی بود. این مهاجرت ها نمی توانست تعداد کردهای جمهوری آذربایجان را به 6.100 نفر برساند که امروز دولت باکو به آن تأکید دارد.

جدول 1

مذهب	ملیت	تعداد مناطق سکونت	زبان	جمعیت	در صد
مسلمان شیعه	تاتار ³	15	تاتاری ⁴	2386	16,3
مسلمان شیعه	کرد	31	کردی	4931	33, 7
مسلمان شیعه	کرد	46	تاتاری	7317	50,0

جدول 2

زبان	دین و نژاد	عنوان روستا به زبان محلی	عنوان روستا
تاتاری	کرد شیعه	عرب لر	‘Arablar
تاتاری	کرد شیعه	اردشوه	Ardašawah
تاتاری	کرد شیعه	بابادینلو	Bābādīnlū
تاتاری	کرد شیعه	واغازین	Wāgāzīn
تاتاری	کرد شیعه	خاطم بکلو	Hāṭambeklū
تاتاری	کرد شیعه	قراپیراملو	Qarābāyrāmlū
تاتاری	کرد شیعه	قراپکلو	Qarābeklū
تاتاری	کرد شیعه	قوتورلو	Qōtūrlū
تاتاری	کرد شیعه	قورت غاجی	Qūrtgāgī
تاتاری	کرد شیعه	کومازلو	Kūmāzlū
تاتاری	کرد شیعه	ناملو	Nāmlū
تاتاری	کرد شیعه	پیرجان	Pīrgān
تاتاری	کرد شیعه	بیچانس	Bīčānis
تاتاری	کرد شیعه	رسوللو	Rasūllū
تاتاری	کرد شیعه	سیدلر	Seīdler
تاتاری	کرد شیعه	شوله	Šawlah
کردی	کرد شیعه	عابده لر	‘Ābdahlar
کردی	کرد شیعه	اسریق اول	Asrīq awwal
کردی	کرد شیعه	اسریق دویم	Asrīq dowīm
کردی	کرد شیعه	بیزانلو	Bīzānanlū
کردی	کرد شیعه	بوزلو	Bōzlū
کردی	کرد شیعه	وارازوخت	Wārāzūdt
کردی	کرد شیعه	حسنلو	Hasananlū
کردی	کرد شیعه	زکلیک	Zaklīk

³ آذربایجانی ها تا روی کار آمدن دولت شوروی در این منطقه تاتار گفته می شدند.

⁴ تا روی کار آمدن دولت شوروی برای زبان آذربایجانی به کار برده می شد.

Kalbağar	كلبجر	کرد شعیه	کردی
Mīnkend	مین کند	کرد شعیه	کردی
Yā Šāhsūwār	پاشاهسوار	کرد شعیه	کردی
Mīrlīq	میرلیق	کرد شعیه	کردی
ḤṢānanlū	خاننلو	کرد شعیه	کردی
Čāḥmaq	چاخمق	کرد شعیه	کردی
Awrayān I	اوریان اول	کرد شعیه	تاتاری
Awrayān II	اوریان دویم	کرد شعیه	تاتاری
Qārīqišlāq	قاریقشلاق	کرد شعیه	تاتاری
Qlīčlī	قلیچلو	کرد شعیه	تاتاری
Mālībeklī I	مالی بکلو اول	کرد شعیه	تاتاری
Mālībeklī II	مالی بکلو دویم	کرد شعیه	تاتاری
Binah Yērī	بندیری	کرد شعیه	تاتاری
Bāindūr	بایندور	کرد شعیه	تاتاری
Hōğāz	هوجاز	کرد شعیه	تاتاری
Ğagāzūr II	جغازور دویم	کرد شعیه	تاتاری
Zeywah	زیوه	کرد شعیه	تاتاری
Zeywahlū	زیوه لو	کرد شعیه	تاتاری
Zīkirīk	زیکریک	کرد شعیه	تاتاری
Kōsahlar	کوسه لر	کرد شعیه	تاتاری
Mollalar	ملالر	کرد شعیه	تاتاری
Ğagāzūr I	جغازور اول	کرد شعیه	تاتاری
Zābūğ	زابوğ	کرد شعیه	تاتاری
Qarāīn	قراين	کرد شعیه	تاتاری
Qzīlgik	قزیلجک	کرد شعیه	تاتاری
Muradlū	مرادلو	کرد شعیه	تاتاری
Sūmūklū	سوموکلو	کرد شعیه	تاتاری
Sūs	سوس	کرد شعیه	تاتاری
Čaykendī	چای کندی	کرد شعیه	تاتاری
Qūščīlar	قوشچی لر	کرد شعیه	تاتاری
Maqšūdlar	مقصودلو	کرد شعیه	تاتاری
Malik Pākahsī	ملک پاکه سی	کرد شعیه	تاتاری
Šāpiān	صاپیان	کرد شعیه	تاتاری
Šiwīt	شویت	کرد شعیه	تاتاری
Dāštāhār	داشتاهات	کرد شعیه	تاتاری
Qal’ahlū	قلعه لو	کرد شعیه	تاتاری

Alāčādlū	الاجادرلو	کرد شعیه	کردی
Hamzahlū	همزه لو	کرد شعیه	کردی
Zīlānlū	زیلانلو	کرد شعیه	کردی
Qāḍīqurdālī	قاضی قور دالو	کرد شعیه	کردی
Rašid	رشید	کرد شعیه	کردی
Alāqūršāq	الاقورشاق	کرد شعیه	کردی
Māfrūslū	مفروسلو	کرد شعیه	کردی
Seylalū	سیلالو	کرد شعیه	کردی
Čāpik	چاپک	کرد شعیه	کردی
Afandīlar	افندی لر	کرد شعیه	کردی
Bālāsultanlū	بالاسلطانلو	کرد شعیه	کردی
Jikjikī	جکجکی	کرد شعیه	کردی
Zeynālī lūw Qarājālū	زینالو یا قراجالو	کرد شعیه	کردی
Qarāgājī lūw Āqāpādār	قراغاجی یا اقایادار	کرد شعیه	کردی
Mollābūrān lūw Ēlaslī	ملابوران یا ایلیسلو	کرد شعیه	کردی

جدول 3

بخش (Uezd)	جمعیت کلی	کرد ها	در صد جمعیت کرد
جوانشیر	84,674	14,682	17,3
قوباتلو	39,499	13,994	35,4
کاریاگین	70,352	571	0,8
شوشی	51,807	413	0,8
آقداش	127,858	81	0,1

منابع و مأخذ

اسناد چاپ شده

1. Александрович Т. Н., Мосевич А. Я. Первая всеобщая перепись населения Российской Империи 1897г., 1904
2. Александрович Т. Н., Патканов С. К., Гребенщиков В. И., Швейкин Н. П. Бруннеман Ю. В. Гильшер А. И., Первая всеобщая перепись населения Российской империи 1897 г. Санкт-Петербург, 1905
3. Александрович Т. Н., Тугорский Н. А., Первая Всеобщая перепись населения Российской империи 1897 г, издание Центрального статистического комитета Министерства внутренних дел, 1899-1905, Санкт-Петербург, 1904
4. В договорных Советских республиках. В Курдистане, Жизнь национальностей, N20, 3 октября 1921
5. Васильков Я.В., Сорокина М.Ю., Люди и судьбы. Биобиблиографический словарь востоковедов - жертв политического террора в советский период (1917-1991). СПб.: Петербургское востоковедение, 2003
6. Всесоюзная перепись населения 17 декабря 1926 года, т. IV, пт.14, Центральное статистическое управление СССР, М., 1929
7. Всесоюзная перепись населения 1937 года, Институт истории Академии наук СССР, Москва, 1991
8. Кавказский календарь, Тифли: Гл. упр. Кавказ. наместника , 1845-1916, на 1917 год: 72-й год: приложением карт Кавказа, Азиатской Турции и Персии / под ред Н. П. Стельмашука, 1855
9. _____; 1916, на 1917 год: 72-й год: приложением карт Кавказа, Азиатской Турции и Персии / под ред Н. П. Стельмашука, Тифлис : Гл. упр. Кавказ. наместника , 1845-1916
10. _____; Тифли: Гл. упр. Кавказ. наместника , 1845-1916
11. Национальный состав населения СССР. По данным Всесоюзной переписи населения 1989 года, Финансы и статистика, М., 1990
12. Новосельский С. А. Обзор главнейших данных по демографии и санитарной статистике России, Санкт-Петербург, 1916
13. Обзор деятельности Совнаркома ЗСФСР, Тбилиси., 1923
14. Общий свод по империи результатов разработки данных первой всеобщей переписи населения, произведенной 28 января 1897

روزنامه ها

1. Бакинский рабочий, 22 август, 1921
2. _____; 22 Ноябрь 1921
3. Заря Востока № 237, 15 октября 1929
4. _____; №123 2 июня 1930



کتاب ها

1. Babajan D. , Krasnyj Kurdistan: Geopaltiचेckie aspekty sozdaniya I uprazdneniya, «21-j vek», № 2, 2005
2. Cavadov Q., Azərbaycanın azsaylı xalqları və milli azlıqları (tarix və müasirlik), Bakı, 2000
3. D. Müller, The Kurds of Soviet Azerbaijan, 1920-91, p.2, Central Asian Survey 2000, 19(1)
4. Vanly I.C., The Kurds in the Soviet Union, Routledge, 1991
5. Vəliyev-Baharlı M., Azərbaycan: Coğrafi-təbii, etnoqrafik və iqtisadi mülahizat, Bakı, 1921; 2nd ed. 1993
6. Алекперов А., К вопросу об изучении культуры курдов, Труды Азербайджанского филиала Академии наук СССР, Б., 1936, с. 33-61; Алекперов А., Материалы по археологии и этнографии Азербайджана, Б., 1960, с. 162.
7. Аристова Т. Ф., Материальная культура курдов XIX первой половины XX в. Москва 1990
8. Аристова Т.Ф., Курды Закавказья, Москва, 1966
9. Библиография советской курдской книги, Ереван., 1962
10. Большая советская энциклопедия, раздел «Аз. ССР», т. I, 1929
11. Бугай Н., Броев Т., Броев Р., Советские курды: Время перемен, Москва, 1993
12. Букшпан А., Азербайджанские курды, Баку, 1932
13. Волкова Н. Г., Этнические процессы в Закавказье в XIX – XX вв., Кавказский этнографический сборник IV, стр. 43, Москва 1969
14. История государства и права Азербайджанской ССР, Баку, 1973
15. Ленин В., Полное собрание сочинений, М., т. 54, 1975
16. Ляtif Маммад, Курды и армяно-азербайджанское противостояние, <http://miacum.ru/forum/politics/kurdistan/2126>
17. Мамедов К., Население Азербайджанской ССР за 60 лет, Баку, 1982
18. Мгои Ш., Еще раз об азербайджанских курдах, Центр Езидской Культуры, 5 сентября, 2004.
19. Список населенных мест Азербайджана по данным переписи 1926 года. Курдистанский уезд, Азербайджанское центральное статистическое управление, Баку, 1927
20. Стеклов А., Армия мусаватского Азербайджана, Баку, 1928
21. Чурсин Г. Ф., Азербайджанские курды, Известия Кавказского историко-археологического института III, Тифлис 1925
22. Шамилов А., Люди и судьбы. Библиографический словарь востоковедов – жертв политического террора в советский период (1917-1991), Пб., 2003.

